

نظری بر آینده ایران و جهان اسلام

با فجایی که بر ایرانیان و مسلمانان جهان در طی همین نیم قرن اخیر گذشته است آیا می‌توان اسلام و تشیعی که ادامه گذشته باشد برای مسلمانان متصور شد اگر حاکمیت‌های موجود در جهان اسلام از میان بروند؟ اگر جمهوری اسلامی ایران و پاکستان و افغانستان و آل سعود و عراق و سوریه و طالبان و داعش از میان بروند (که می‌روند) چه باقی خواهد ماند؟ مسلماً آن اسلام و تشیعی که در طی این هزار سال جریان داشته است دیگر وجود نخواهد داشت. این حقیقت را هر کسی می‌فهمد و باور دارد و حتی حاکمان این کشورها هم به آن اذعان دارند همان‌طور که همین اواخر یکی از مراجع مشهور قم که همسو با نظام است اعتراف کرد که: اگر مردم برخیزند ما را (روحانیت را) به دریا می‌ریزند! یعنی این اسلام و تشیع تاریخی را به دریا می‌ریزند. این واقعه در حال وقوع است و بقول دکتر شریعتی که یکسال قبل از وقوع انقلاب گفت: طلوع ظهور اسلام منهای روحانیت را می‌بینم! شریعتی در واقع نیم قرن پس از انقلاب را می‌دید و چه خوب دید! در واقع این پیروزی آرمان شریعتی است زیرا او بانی اسلام منهای روحانیت بود! اسلام منهای روحانیت یعنی آخرالزمان اسلام تاریخی و پایان تاریخی‌گری اسلام! این همان آخرالزمان است که رسول اکرم و امامان ما پیشگوئی کرده بودند و اینک در حال رخ نمودن است. و ما نخستین کسی هستیم که از حدود سی سال پیش به استقبال آخرالزمان آمده ایم با همه علائم و آیات تاریخی و قرآنی و عرفانی! همان‌طور که انقلاب ۵۷ سرآغاز این قیامت آخرالزمان بود و کسی آنرا جز ما درنیافت. اسلام منهای روحانیت یعنی دین حئی و قیوم و نور فطرت و معرفت و محبت ائمه‌هدی که بر قلوب پاکان می‌تابد و آنها را از ظلمات مذاهب دهری می‌رهاند.

این قیامت دین و اسلام و تشیع موروثی است یعنی قیامت مذاهب نژادپرستانه! زیرا همه مذاهب مادرزادی همان مذاهب نژادپرستانه هستند که قلمرو ظهور مذهب ضد مذهب بوده اند یعنی ظهور مذاهب ابلیسی! و این قیامت آخرالزمان مذاهب دجالی است تحت عنوان فرقه‌های اسلامی! و این پایان عمر تاریخی اسلام‌های دجالی و تشیع دجالی است و طلوع اسلام ناب محمدی با ظهور امام زمان که نور اسلام و دین واحد جهانی است.

آینده ایران و جهان اسلام دو مرحله دارد که مرحله نخست آن در جریان است که سراسر سیاهی و تباهی و نیپیلیزم و کفر و نفاق است. و اما از پس این شب سیاه طلوع صبح حقیقت در راه است که ظهور امام زمان است که کمترین شباهتی به این باوری که اکثریت شیعه دارند، ندارد همان‌طور که در ده‌ها روایت از رسول خاتم و ائمه‌هدی آمده است که همه علمای رسمی دین او را تکفیر می‌کنند خصوصاً گروهی از سادات فاطمی!

این نیهیلیزم به معنای هیچ و پوچ شدن همه عقاید و عقول و اخلاق و باورهای عرفی و شرعی و عاطفی و خانوادگی و اجتماعی و سیاسی و تاریخی و هویتی یک قوم در یک کلام محصول برپائی قیامت آخرالزمان این ملت و امت است که حدود چهل سال است که آغاز شده است چرا که قیامت به تعریف قرآن، ظهور اسرار باطن انسان هاست که اهل ایمان جز تصدیق و توبه از تمامیت هر آنچه که از او بارز شده راه نجاتی ندارد و مابقی هم جمله دچار انکار شده و این هیچ و پوچ شدگی و تباهی را به سوی دیگران فرافکنی می کنند بخصوص حکومت ها و ابرقدرت ها و رهبران! و این منکران دچار شقاوت و جنون و جنایت می شوند و بدست خود از میان می روند. و آنک ظهور خورشید حقیقت!

و اما روشنفکرانی که همچون دکتر سروش و عبدالکریمی و پیروانشان مشغول توجیه تاریخی و عصری و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و ایدئولوژیکی و فلسفی این نیهیلیزم نابودگر هستند خود نیز از خازنان این برهوت آخرالزمانی هستند بی آنکه اندکی به ذات معنوی و تاریخی و دینی آن پی برده باشند چرا که باور به قیامت آخرالزمان را اصلاً در شأن فلسفی و روشنفکری و هایدگری و پوپری و آکسفوردی خود نمی دانند زیرا از هر خرافه ای مبرایند الا خرافه ای به نام فلسفه! بخصوص آن فلسفه ای که نهایتاً در تقدیس مدرنیسم و گلوبالیزم آمریکائی باشد.

این جماعت که گاه در لباس الفاظ و اطوار شریعتیزم برای نسل جوان دلبری می کنند لااقل شهامت شریعتی را ندارند که یکبار برای همیشه حرف دلشان را بزنند و مجبور نباشند که در سخنرانی های خود یک جمله در میان به طلب مغفرت و دست بوسی و پابوسی و التماس به محضر حضرت قدرت پردازند تا بتوانند مذبذبانة حقیقتی را مخلوط با دروغ به خورد نسل جوان سرگشته بدهند و خود را منجی خلق معرفی کنند. و البته فلسفه و عرفان در تربیون های داخل کشور لباس نفاق آنهاست و چون به خارج می روند آن کار دیگر می کنند و یک شبه لیبرال و نیهیلیست از آب درمی آیند و کوس انالحق می زنند که به آنها هم وحی می شود و برای اینکه توهمات خود را وحی بخوانند وحی محمدی را در حد رویاهای پریشان تنزل می دهند که روانکاوان غربی بایستی آن را تأویل و تعبیر کنند و پرده از اسرار غیب بردارند!! پناه بر خدا از این دجالیت فلسفی - روشنفکری که دجالیت آخوندی را روسفید کرده است.

آینده ایران و اسلام از برای مؤمنان و متقین و پاکان و صدیقین، سراسر نور و امید و رستگاری است و برای مشرکان و منافقان و دین فروشان عین جهنم است.

علی اکبر خانجانی

۱۴۰۰/۱۱/۱۶